





دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی

بررسی اصول و رویکردهای مکتب رمانتیسم در اشعار گلچین گیلانی و مشفق کاشانی

پژوهشگر :

رویا خاوری

استاد راهنما :

دکتر محسن ذوالفقاری.

استاد مشاور :

دکتر سیده زهرا موسوی

تابستان 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی اصول و رویکردهای مکتب رمانتیسم در اشعار

گلچین گیلانی و مشفق کاشانی

توسط:

رویا خاوری

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم
برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ادبیات فارسی .

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

دکتر محسن ذوالفقاری (استاد راهنما)..... دانشیار

دکتر سیده زهرا موسوی (استاد مشاور)..... استادیار

دکتر علی صباغی (استاد داور)..... استادیار

شهریور 1390

تقدیم به:

پدر و مادرم که با

محبت‌های بی دریغشان در تمام مراحل زندگی ام یاری گر من بودند.

وجود نازینشان همیشه سایه عزت و افتخار من است.

سپاسگذاری:

در آغاز ارائه پایان نامه لازم می دانم ازجناب آقای دکتر محسن ذوالفقاری استاد راهنما به خاطر وقت های گرانبغری که در اختیار بنده گذاشته و صمیمانه مرا در انجام مراحل پایان نامه یاری فرمودند کمال تشکر داشته باشم وهمچنین از سرکار خانم دکتر سیده زهرا موسوی استاد مشاور وتمام کسانی که به نوعی اینجانب را در مراحل انجام کار یاری نمودند تشکر و قدردانی می کنم و برایشان از خداوند منال، توفیق و سربلندی در تمام مراحل زندگی را خواستارم.

چکیده

مکتب رمانتیسم در اروپا با خصوصیات نظیر طبیعت ستایی، احساس گرایی، غم و اندوه، تخیل، فردگرایی، عشق، کودکی و خاطرات گذشته و در هم شکستن ساختار کهن کلاسیک و ... در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کشورهای انگلستان، آلمان، فرانسه و به تبع آن در برخی از کشورهای دیگر به وجود آمد و به طور گسترده‌ای بر تمامی ادبیات ملل دیگر تأثیرات عمده‌ایی به جای گذاشت. در ایران نیز بعد از انقلاب مشروطیت، رمانتیسم اروپایی تأثیرات عمده‌ایی به جای گذاشت و شاعرانی با ویژگی‌های سبک خاص رمانتیسم اروپایی به وجود آورد از جمله نیما، گلچین گیلانی، فروغ فرخزاد، نادر نادرپور و ... اما ریشه‌های بعضی از ویژگی‌های این مکتب را به نوعی می‌توان در شرق جستجو کرد. به طوری که در بین سبک‌های کهن فارسی، سبک عراقی بیشترین شباهت را از نظر تخیل، احساس گرایی، عشق، غم و اندوه، درون نگری و ... که از مهم‌ترین ویژگی‌های رمانتیسم هستند با مکتب رمانتیسم اروپایی داراست. در رساله حاضر، توجه به عنوان رساله در بخش اول، ابتدا رمانتیسم و چگونگی اصول آن و نفوذش در ایران و اروپا مورد بحث قرار می‌گیرد و در بخش دوم مختصری از زندگی و آثار دو شاعر معاصر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی بیان می‌گردد. در بخش سوم نیز تأثیرات اصول و مبانی نظری رمانتیسم در اشعار گلچین گیلانی با ویژگی‌های سبک خاص اروپایی و مشفق کاشانی با سبکی متمایل به سبک عراقی و هندی و مضامین جدید مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و میزان بهره‌گیری هر دو شاعر از اصول رمانتیسم و تفاوت‌ها و شباهت‌های اشعار ایشان با هم مشخص می‌شود و در بخش پایانی نتایج حاصل از پژوهش بیان می‌گردد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه
1	تعریف مسئله و بیان نکات اصلی تحقیق
1	فرضیات پژوهش
2	هدف پژوهش
2	روش تحقیق
	فصل اول
4	1 درآمدی بر رمانتیسم
4	1-1 کلاسیسم
5	1-2 اصول و قواعد مکتب کلاسیسم
6	1-3 پیش رمانتیسم
8	1-4 رمانتیسم
11	1-5 زمینه‌های پیدایش
13	1-6 اصول و قواعد مکتب رمانتیسم
24	1-7 معرفی برخی از بزرگان رمانتیسم در ادبیات اروپا
25	1-8 زمینه‌های پیدایش رمانتیسم در ایران
27	1-9 رمانتیسم در شعر فارسی
28	1-10 نخستین شاعران رمانتیک معاصر ایران
	فصل دوم
30	2 مختصری از زندگی نامه، آثار و دیدگاه گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
30	2-1 زندگی گلچین گیلانی
36	2-2 آثار گلچین گیلانی
37	2-3 دیدگاه گلچین گیلانی درباره شعر و شاعری
38	2-4 زندگی نامه مشفق کاشانی
41	2-5 آثار مشفق کاشانی
42	2-6 دیدگاه مشفق درباره شعر و شاعری
	فصل سوم
44	3 بررسی و مقایسه عناصر طبیعت در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
44	3-1 گل
51	3-2 ماه
54	3-3 خورشید

56	3-4 آسمان
58	3-5 آب (دریا، دریاچه، چشمه، برکه، آبشار، برف، باران، ابر و...)
60	3-6 دیگر عناصر طبیعت
62	3-7 بررسی و مقایسه احساسات و هیجانات فردی در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
	3-8 بررسی و مقایسه بازگشت به گذشته، کودکی و جغرافیای خیال در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
69	3-9 بررسی و مقایسه درون نگری و یاس و اندوه در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
73	3-10 بررسی و مقایسه «من شاعرانه» در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
76	3-11 بررسی و مقایسه مفهوم عشق در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
84	3-12 بررسی و مقایسه گریز از واقعیت در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
87	3-13 بررسی و مقایسه تمدن ستیزی در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
90	3-14 بررسی و مقایسه تخیل و وضعیت توصیف در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
98	3-15 ماهیت تصویر
99	3-16 شفافیت و سایه داری تصویر
101	3-17 مکان و زمان در تصویر گری
106	3-18 شیوهی اتصالتصاویر
	3-19 بررسی و مقایسه بافت شعر با تاکید بر «کلمه» در شعر گلچین گیلانی و مشفق کاشانی تقسیم بندی
109	دیدگاه‌های مکتبی گلچین گیلانی و مشفق کاشانی
	3-20 بررسی و مقایسه ارتباط سبک و مکتب شعری گلچین گیلانی و مشفق کاشانی با مکتب رمانتیسم
112	
	فصل چهارم
117	4 نتیجه گیری و مقایسه کلی شعر هر دو شاعر در حوزه مکتب رمانتیک
129	منابع

مقدمه

تعریف مسئله و بیان نکات اصلی تحقیق

در این پژوهش سعی بر آن داریم تا موضوع‌های زیر را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم :

1. بررسی رمانتیسم و علل پیدایش و اصول آن
2. چگونگی ورود رمانتیسم به ادبیات فارسی
3. وجود ریشه‌های اولیه رمانتیسم در سبک عراقی
4. بررسی ویژگی‌های رمانتیسم خاص اروپایی در اشعار گلچین گیلانی
5. بررسی ویژگی‌های رمانتیسم در اشعار مشفق کاشانی به عنوان شاعر معاصر با تمایلات سبک عراقی

فرضیات پژوهش

1. آیا با توجه به معیارهای نقد ادبی می‌توان گلچین گیلانی را شاعری رمانتیک قلمداد کرد؟
2. آیا با توجه به تمایلات مشفق کاشانی به سبک عراقی و ادعای وی در به به‌کارگیری مضامین جدید و بکر در این سبک می‌توان ویژگی‌های سبک رمانتیسم را در اشعار ایشان جستجو کرد؟
3. کیفیت کاربرد رویکردهای مکتب رمانتیسم در شعر مشفق کاشانی و گلچین گیلانی چگونه است؟

هدف پژوهش

علاوه بر بیان اصول مکتب رمانتیسم و چگونگی و نفوذ آن در ایران و تأثیر پذیری گلچین گیلانی از این مکتب، سعی در بررسی زمینه‌ها و اصول رمانتیسم در اشعار گلچین گیلانی و مشفق کاشانی و دست یافتن به پاسخی مطلوب در پاسخ به موارد فوق داریم.

روش تحقیق

به صورت تحلیلی و کتابخانه‌ای، منابع مورد نیاز و مرتبط با موضوع جمع آوری شده و مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب مورد نیاز فیش برداری شده است و در مرحله بعد مطالب مربوط به همراه تحلیل‌های شخصی تدوین و تنظیم شده است.

فصل اول

کلیات و مبانی نظری

مکتب رمانتیسزم

درآمدی بر کلاسیسم و رمانتیسم

بدون شک هر پدیده به دنبال تغییرات اجتماعی و اوضاع و شرایط سیاسی، فرهنگی حاکم بر جامعه، صورت می‌گیرد و یا می‌توان گفت، هر پدیده ادبی، حاصل مکتب ادبی قبلی و یا جریانی است بر علیه آن. بنابراین از آنجا که مکتب رمانتیسم نیز در حقیقت طغیانی است در برابر جریان ادبی (کلاسیسم) در اروپا، مروری گذرا بر این مکتب ضروری می‌نماید.

1 کلاسیسم

واژه کلاسیسم از Classicus لاتین گرفته شده است. در روم باستان طبقات بالای جامعه را که از ثروت و درآمد بیشتری برخوردار بودند و می‌بایست مالیات بیشتری بپردازند «کلاسیکوس» می‌نامیدند. بعدتر و در قرون اولیه میلادی این کلمه برای اطلاق به آثار ادبی و نویسندگان طراز اول یونان و روم به کار رفته است. سپس این کلمه بعدها به کل آثار کهن بازمانده از فرهنگ و ادبیات یونان و روم اطلاق شده است. از همین رو ادبیات جدید اروپایی بعد از قرون وسطی یعنی ادبیات دوره رنسانس نیز که متأثر و ملهم از یونان و روم بود، کلاسیک خوانده شد. ولی به طور مشخص این اصطلاح برای توصیف ادبیات و هنر اواخر دوره رنسانس (اواخر قرن شانزدهم و تمامی قرن هفدهم) به کار می‌رود. (جعفری‌جزی، 38، 1378)

بنابراین می‌توان کلاسیسم را گرایشی دانست که در دوران نوزایی با رنسانس نسبت به مبانی فرهنگی، ادبی و هنری یونان و روم در اروپا پدید آمد و تحولی عظیم را در ادبیات و موسیقی سبب شد و به عبارتی دیگر کلاسیسم بازگشت به هنر قدیم یونان و روم و به تبع نهضت اومانسیسم و رنسانس است. (سید حسینی، 1371: 21)

کلاسیسم از لحاظ اجتماعی، خاستگاه و تکیه‌گاهی اشرافی دارد و یک فرهنگ اشرافی را تقویت می‌کند و در حقیقت تجسمی از کمال مطلوب‌های زندگی اشراف را با صبغهای عقلانی نشان می‌دهد. (جعفری جزی، 1378: 39)

به طور کلی فلسفه عمومی مکتب کلاسیسم «خردگرایی» Rationalism و اخلاق اجتماعی آن سنت‌گرایی Traditionalism است. (آریان پور، 1380: 231) به طوریکه آن را عصر خرد نیز نام نهاده‌اند.

1-2 اصول و قواعد مکتب کلاسیسم

- 1- جستجوی تعادل و کمال
- 2- تقلید از طبیعت
- 3- تقلید از قدما و پیشینیان
- 4- اصل عقل و خردگرایی
- 5- آموزنده و اخلاقی بودن اثر
- 6- وضوح و ایجاز
- 7- حقیقت‌نمایی
- 8- سنت‌گرایی
- 9- قانون وحدت‌های سه‌گانه (وحدت موضوع، زمان، مکان)

بسیاری از خصوصیات و روش‌های کلاسیک‌ها به واسطه ظهور مکتب رمانتیسم در اوایل قرن نوزدهم از میان رفت. اما بعضی از منتقدان معتقدند که این نهضت تأثیری دائم بر ادبیات قرن

بیستم گذاشته است و بسیاری خصایص آن به ویژه در ادبیات انگلیس بر جا ماند. (میر صادقی:1370:208)

1-3 پیش رمانتیسم

از حدود سال‌های 1740م تا حدود 1790م از یک سو. تقریباً اصول و قواعد سرسخت نظام کلاسیک دیگر استحکام چندانی نداشت و از احترام زیادی برخوردار نبود و در معرض تهاجمی کوبنده قرار گرفته بود و از سوی دیگر، عصر رمانتیک نیز به معنی دقیق و درست آن هنوز آغاز نشده بود. این دوره پرچوش و خروش متلون و توفنده را «دوره پیش رمانتیسم» نامیده‌اند. (جعفری جزئی، 1378: 72)

به عبارتی دیگر ظهور رمانتیسم در ادبیات اروپا تدریجی و کند بود و قبل از آن دوره‌ای به وجود آمد که به دوران پیش رمانتیسم معروف شد. این دوره که از اواسط قرن هجده شروع شد با گرایش‌هایی بر ضد فلسفه آشکار شد. دور شدن از اصول فلسفه با اصالت عقل و توجه به احساسات و هیجان‌ها، کم و بیش در آثار نویسندگان این دوره به چشم می‌خورد. این نویسندگان به سنت‌های ملی و احیای آن‌ها علاقه نشان دادند. از این رو به قرون وسطی و سنت و آداب و رسوم آن دوران و آنچه که ادبیات ملی خوانده می‌شد و تفاوت کلی با ادبیات رسمی و کلاسیک داشت، توجه داشتند. اما به طور کلی هیچ کدام از قریحه کافی برای تلفیق هنر با احساس و بریدن از قواعد و مبانی کلاسیک برخوردار نبودند. (تیگم، 1370: 23)

حدود نیمه قرن هجدهم میلادی در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع پیشرفته اروپایی، یعنی گسترش طبقه متوسط جدید و طبقه متوسط شهرنشین بورژوازی ونیز پیامدها و دستاوردهای انقلاب صنعتی، از یک سو، مردم شهرنشین را بی‌قرار و شیفته روستا و طبیعت می‌کرد، و از سوی دیگر نظم نوین زندگی آن‌ها را که نابرابر و خشک و انعطاف‌ناپذیر به نظر رسید و عمیقاً با خردگرایی دوره روشنگری آمیخته بود، امری ناخوشایند و نامطلوب جلوه می‌داد و به لحاظ فکری و فلسفی نیز نوعی گریز و فاصله گرفتن از اندیشه خرد محور و علم مدار عصر روشنگری به تدریج در حال ظهور بود. در واقع پیش رمانتیک‌ها از وضع موجود خسته و دل‌زده بودند و شور و هیجان شگفت ولی مبهم نسبت به آینده‌ای متفاوت ابراز می‌کردند. (ر. ک. جعفری جزئی، 1378: 13)

در این دوره پیش رمانتیسیم‌ها که به جای تکیه بر عاطفه و حسن اخلاقی، بیشتر در صد برانگیختن احساسات مبالغه‌آمیز بودند، به جای تعلیم و آموزش و اخلاق‌گرایی، بیشتر به تقویت احساسات پرداختند طوری که این عصر به عنوان «عصر احساس» نامیده شد. (همان: 73)

بنابراین می‌توان گفت: «ما قبل رمانتیسیم» دوره‌ای است که در آن تمایلات عاطفی وارد ادبیات شده و خودی در آثار نویسندگان نشان داده است. ولی نویسندگان این احساسات را اغلب در همان قالب‌های کهن به خوانندگان عرضه کرده‌اند. (سید حسینی، 1371: 175)

لیلیان فورست عصر پیش رمانتیسیم را این گونه بیان می‌کند: عنوان پیش رمانتیک عموماً برای نویسندگان و متفکران مشخصی بکار می‌رود که از لحاظ اندیشه یا سبک نگارش، پیشگامان بلا فصل رمانتیک‌ها بشمار می‌روند. (کسانی چون روسو، یانگ/ مک فرسون/ برناردن، روسن پی.یر) اما این اصطلاح به یک مفهوم گسترده‌تر برای اشاره به روند کلی پیشرفت و رشد این جریان در قرن هجدهم نیز مناسب است. چراکه به هر حال راه را برای تکوین و تبلور جنبش رمانتیسیم هموار کرد. باز اندیشی بنیادین معیارها و شیوه‌های انتقادی، پیش شرط اساسی شکوفایی جنبش رمانتیسیم بود و این همان چیزی است که در طی قرن هجدهم اتفاق افتاد. (فورست، 1375: 29)

پیش رمانتیک‌ها نه تنها در جهان درونی عواطف و احساسات، بلکه در عالم خارج نیز در جستجوی پدیده‌های طبیعی و خود جوش بودند. از همین رو به موضوعات و زمینه‌هایی علاقه‌مند بودند که با تصنع زندگی شهری یا به عبارت دقیق‌تر با زندگی موقرانه و پرآداب، کاملاً متضاد و ناهمخوان بود. (فورست، 1375: 59)

از ویژگی‌های آشکار آثار نویسندگان این دوره می‌توان غلیان احساسات اندوه بار در شعر، جریان پرشور عواطف، صحنه‌ها و موقعیت‌های مبهم و اسرار آمیز، بازگشت به طبیعت، ستایش کودکی، فردیت‌گرایی و گرایش‌هایی از این دست را که بعدها در دوره رمانتیسیم به گونه‌ای محکم جان می‌گیرند، نام برد. اما به طور کلی در این دوره نویسندگان چندان مهمی پدید نیامدند اما در آثار آن‌ها عدول از قواعد و اصول کلاسیک و عدم توجه به انواع مرسوم آن مکتب به چشم می‌خورد.

1-4 رمانتیسم

رمانتیسم بیش از اینکه یک جریان ادبی، هنری باشد، مرحله‌ای از حساسیت اروپایی است که نخست در اواخر قرن هجدهم در انگلستان (با ویلیام بلیک W.Blake، وردزورث wordsworth، کاریج caleridge) و در آلمان (با گوته Goete، شیلر schiller، هولدرلین Holderlin) و سپس در قرن نوزدهم در فرانسه (با ویکتور هوگو، شاتوبریان، لامارتین) در ایتالیا (با مانتسونی mantzoni، لئوپاردی Leopardi) در اسپانیا (با سوریلیا zorrilla) و در کشورهای اسکانندیناوی (با اولنشلگر oehlenschleger، تگنر Tegner و استاگنلیوس stagnelins) ظاهر می‌شود. (سید حسینی، 1371: 161)

صفت رمانتیک که از کلمه لاتین قرون وسطائی رومانیتیکوس Romanticus گرفته شده بود، به تدریج در قرون هجدهم رواج یافت. در فرانسه تشخیص این صفت، از یک صفت دیگر، رومانسک Romanesque، برگرفته از کلمه ایتالیائی رومانسکو Romanzesco دشوار بود. ریشه صفت همان کلمه رمان است که اصل آن، رومانو Romano یارومی است که در صورت ابتدائی‌اشبه داستانی اطلاق می‌شد که نه به زبان لاتینی، بلکه به زبان‌های عامیانه کشورهای مختلف اروپا، یا زبان‌های رومیائی و به گونه‌ای جدید نوشته شده باشد و نیز از قوانین و مقررات کلاسیک تبعیت نکند. (سید حسینی، 1371: 163)

صفت «رمانتیک» [romantic] در زبان انگلیسی برای نخستین بار در سال 1650 م و شکل فرانسوی Romanesque در 1661 م و شکل آلمانی Romaniseh در سال 1663 به کار رفته است. در آغاز این صفت‌ها منسوب بودن به رمان یا رمانس را می‌رساند، یعنی همان آثاری که به زبان‌های بومی تألیف می‌شد. این آثار عمدتاً ماهیتی خیال‌انگیز و پر احساس داشتند و مبتنی بودند بر ماجراهای عاشقانه یا پهلوانی و یا ماجراجویانه و آکنده بودند از صحنه‌های پرشور و عواطف و حالات و پدیده‌های غیر واقع نمایانه که خواننده نمی‌توانست احتمال وقوع آن‌ها را تصور کند و به طور کلی با دیدگاه عقلانی قرن هفدهم همگونی و تناسب چندانی نداشت. (جعفری جزی، 1378: 10)

در انگلیس و از دهه 1660 کلمه رمانتیک از دلالت بر داستان‌های رمانس وار فراتر می‌رود و بر مناظر طبیعی اطلاق می‌شود. از این دوره به بعد این اصطلاح در وصف روستاها، کوهستان‌ها، چشمه‌ها و پدیده‌های از این دست به کار می‌رود و عمدتاً معنای بکر، دست نخورده و خلوت و خیال‌انگیز و رویایی را می‌رساند. (همان: 11)

در حقیقت می‌توان این تغییر معنایی رمانتیک را در انگلستان یکی از برجسته‌ترین هدیه‌های این زبان به فکر اروپایی به شمار آورد. (ر. ک. فورست، 1375: 25)

در گیرودار عصر خرد در قرن هفدهم و در جهانی که تحت سیطره نظم و حقیقتی قرار دارد که خود را مطلق بی‌چون و چرا می‌شمارد، به ناگزیر این اصطلاح دچار بی‌اعتباری و ننگ فزاینده‌ای می‌شود، بدان گونه که در ردیف کلماتی از قبیل رویایی، مطمئن و اغراق‌آمیز، مضحک و کودکانه قرار می‌گیرد. در اوضاع و احوالی که صحت داشتن و معقول بودن بر تخیل برتری دارد، عبارت «قصه‌های نامعقول رمانتیک و داستان‌های باور نکردنی و شگفت‌انگیز» کاملاً عادی و رایج است. بنابراین رمانتیک از آغاز اصطلاحی مربوط به نقد هنری نبود و اساساً نشان دهنده دیدگاهی بود که با نظری مساعد به پدیده‌های عاطفی و تخیلی نگریست. (همان: 25)

از نیمه دوم قرن هجدهم و هم‌زمان با تحولات فکری و اجتماعی‌ای که به آهستگی روی می‌دهد و همه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد، کلمه رمانتیک به تدریج ارزش و معنایی مثبت‌تر پیدا می‌کند و این زمانی است که اندک اندک «عصر خرد» جای خود را به «عصر احساس» می‌دهد. در این دوره کلمه «رمانتیک» یادآور لذت‌ها و خوشی‌های بکر و اصیل گذشته‌های دور و قلمرو پاک طبیعت است. (جعفری جزی، 1371: 11)

در واقع رمانتیسم عکس‌العملی بود در مقابل کلاسیسم که بیانگر مبارزه با دنیای واقعی و رویکردی است به سوی دنیای رویاها. ویلیام شلگل اولین کسی بود که این اصطلاح را در مقابل مکتب کلاسیسم قرار داد و آن را به عنوان گرایش جدید در زمینه ادبیات تعبیر نمود (ر. ک. سید حسینی، 1371: 163). از نظر وی "شعر و هنر کلاسیک توجه به کمال دارد. نمودهای رمانتیک از جهان منظم و زیبا که مُثُل جاوید پدیده‌ها را نشان می‌دهد". شعر رمانتیک بیان اشتیاقی است راز ناک برای آشفستگی و حیرتی است که به تولدی تازه می‌انجامد. هنر کلاسیک یونانی ساده‌تر،

تمیزتر، با شباهت بیشتری به طبیعت و در کمال مستقل، کارهای جداگانه جلوه می‌کند. هنر رمانتیک بر خلاف ظاهر پراکنده‌اش به راز جهان نزدیک‌تر است. (جعفری جزی، 1378: 16)

و به قول راسل رمانتیسم عکس‌العمل ارواح آزاد بود بر ضد جهان صنعتی و سرمایه‌داری که شعارهای آن بیان آزاد حساسیت‌های انسان و تأیید بر حقوق فردی است. (اشرف زاده، 1381: 218)

و به طور مختصر می‌توان گفت: رمانتیسم مکتبی است که پایه و اساس آن، از نظر فلسفی، خرد‌گریزی Irrationalism و اخلاق اجتماعی آن فردگرایی Individualism نهاده شده است. (آریان پور، 1380: 233)

مفهوم رمانتیسم آنقدر پیچیده و در عین حال مانوس است که نمی‌توان تعریف واحد و کاملی را درباره آن بیان کرد. در واقع تعاریف بسیار گوناگونی در این زمینه وجود دارد که هیچ کدام به تنهایی تعریف کامل و جامعی از رمانتیک نمی‌تواند باشد بنابراین در اینجا برای آشنایی بیشتر با مفهوم رمانتیسم و دامنه تنوع و گستردگی تعاریف آن به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: (ر. ک. جعفری جزی، 1378: 21-22)

§ اشتیاق و آرزوی دست یافتن به لایتناهی در درون متناهی، اشتیاق و آرزوی پدید آوردن ترکیبی از واقعیت و تخیل. در هنر آن چیزی را بیان کردن که در الهیات آن را اشتیاق وحدت وجودی می‌نامند. (فیرچیلر)

§ آزادی‌خواهی در ادبیات-حقیقت کامل زندگی. (ویکتور هوگو)

§ کوشش‌برای فرار از واقعیت. (واتر هاوس)

§ مالیخولیایی احساساتی، اشتیاق و آرزوی مبهم. (فلیپس)

§ عاطفه بیش از خرد و قلب در ضدیت با سر. (ژرژساند)

§ تخیلی در تقابل عقل و واقعیت (نیلسون)

§ افزودن غرابت به زیبایی. (بیتر)

§ آن چیزی رمانتیک است که موضوع و محتوای عاطفی و احساساتی را در شکل و صورتی تخیلی و خلاقانه به تصویر درآورد. (فریدریش شلگل)

§ آزادسازی سطح ناخودآگاه ذهن، یک رویای هستی بخش (لوکاس)

§ نوزایی و تجدد حیات اعجاب و حیرت (واتس - دانتون)

1-5 زمینه‌های پیدایش

پیدایش مکتب رمانتیسم همانند مکاتب دیگر معلول عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متعددی بوده است که از آن میان می‌توان به دگرگونی بافت جامعه اروپایی و تبدیل آن از شکل فئودالی به بورژوازی، تحقق انقلاب کبیر فرانسه و تأثیرات آن بر روشن فکران و نویسندگان اشاره کرد. (داد، 1378: 244)

اما مهم‌ترین علل و عواملی که در پیدایش استحکام این مکتب تأثیر فراوان داشته انقلاب کبیر فرانسه است. آن چه مسلم است اینکه انقلاب کبیر فرانسه یکباره صورت نگرفته است؛ بلکه از یک نسل پیش وقوع آن را پیش بینی می‌کردند. مردم احساس می‌کردند که در دوران پر مخاطره‌ای زندگی می‌کنند که به تدریج منجر به انفجار می‌گردد. انفجاری علیه کلیه امتیازات موجود جامعه امتیازات طبقات اشرافی، دستگاه‌های قضایی، سنت‌های حکومتی و مبانی اقتصاد جامعه و ... که همگی مورد تجدید نظر قرار گرفتند. (لاسکی، 1382: 194-193)

در پرتو انقلاب فرانسه در سال 1789 م. طبقه جدید، قدرت سیاسی - نظامی و دینی را در دست گرفتند و در گسترش آزادی کوشیدند از جمله دستاوردهای این انقلاب اهمیت یافتن مفاهیمی چون: میهن، آزادی و عدل در زمینه‌های فرهنگی و ادبی بود. از سوی اضطراب‌ها و تکان‌های ناشی از انقلاب فرانسه به اغلب کشورهای اروپایی سرایت کرد و نیروهای پنهان طبقه متفکر و روشنفکر را بیدار ساخت؛ از آنجا که هر پدیده ادبی به دنبال تغییرات اجتماعی پدید می‌آید، می‌توان گفت انقلاب کبیر فرانسه و نیز حکومت ناپلئون این تغییرات عظیم فکری را باعث شد. کما اینکه در بحبوحه‌ی انقلاب، شخصی چون روسو، ظهور می‌کند و حکومت طبیعت را بر حکومت عقل برتری و به دنبال او «برناردن - دوسن پی‌یر» با نوشتن داستان عشقی «بل و ویرژینی» عقاید روسو را گسترش می‌دهد. (اشرف زاده، 1381: 221)